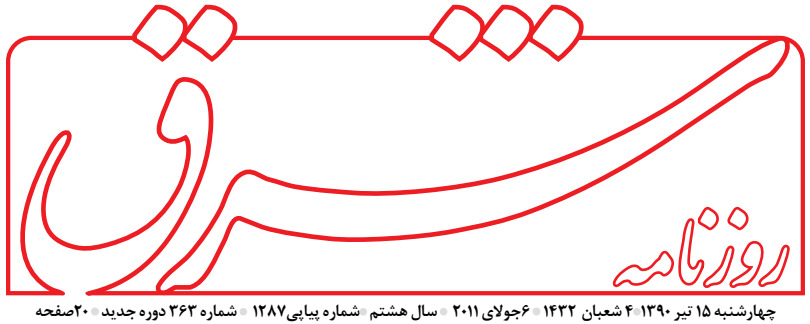




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرزاتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۴۳۹۱-۲، ۸۸۸۸۰۷۱۹، ۸۸۶۵۸۵۷۵
تلفن اگهی‌ها: ۸۸۸۸۰۷۱۹
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز - تلفن: ۶۶۱۸۱۳۰-۵
چاپ: کاراپام - تلفن: ۴۴۹۸۲۹۶۹
www.sharhnewspaper.ir
تهران: اذان ظهر ۱۳:۰۹ اذان مغرب ۲۰:۴۵ اذان صبح فردا ۴:۱۰ طلوع آفتاب ۵:۵۵



کیوان زرگری
cartoononline.persianblog.ir

کارتون خواب

احمدی نژاد: به هر خانوار ایرانی ۱۰۰۰ متر زمین واگذار می شود

کلیه کوچک من

زندان در زندان - ۱۰
اردشیر خرمکوب

■ من در لس آنجلس زندانی‌ام. در کلیه کوچک من، به صورت ظاهر همه چیز هست، و من برای نوشتن نباید کاستی‌ای داشته باشم. همه روزها را روزه می‌گیرم. ورزش می‌کنم. غلایم مهیاست و رفت‌وآمدی برای یخ‌تویز و خرید مایحتاج کلیه ندارم. نگهبانان و مراقبان بیرون از کلیه، هر از گاه میوه و ماست و دوغ هم با غذای من همراه می‌کنند. بجز ترشویی و ناسرهای هرازگاه مزاحمی که ذهن مرا آشفته، در کنار خود ندارم. می‌پنسد که یک موقعیت ایده‌آل برای نوشتن نصیب من شده‌است. یک نویسنده، مقدمات فراوانی را دست به دست می‌کند تا به یک چنین آرامشی دست یابد. نیز این را می‌دانم که اگر همه مولفه‌های ظاهری نوشتن در اختیار نویسنده باشد، ذهن خود نویسنده‌ای بسا از راده او به در رود. من با خود قرار بستم که بیوسته روزی ۱۰ صفحه بنویسم. که در نود روز، بشود ۹۰۰ صفحه. تا بعداً بتوانم با حذف و اصلاح، ساختار درستی برای نوشته خود سامان دهم. روز اول ۲۰ صفحه، روز دوم ۲۵ صفحه، روز سوم ۱۲ صفحه، روز چهارم پنج صفحه و روز ششم یک صفحه می‌نویسم. اقول این قرار، نه به خاطر شتاب کاذب اولیه‌است، بلکه شاید به این مربوط شود که در آغاز، این من بودم که بر ذهن و روان خود مسلط بودم، اما کم‌کم، غوغای درون به شیوه‌های مختلف، راهی برای اظهار وجود پیدا کرد و راده مرا به خواست خود معطوف کرد. من تشنه‌ام برای نوشتن، اما بی‌آنکه خود بخوام، از کلیه کوچک خود به در می‌روم. به راحتی از دیوارهای بلند زندان می‌گذرم. از خیابانی به خیابانی می‌پیچم، و از خانه‌ای به خانه‌ای. با آدم‌ها، با گذشته، با آینده می‌آمیزم. از آنها حس می‌گیرم و حس خود را بر سر آنها فرومی‌بارم. به خود که می‌آیم می‌بینم بر سر یک کلمه، یکی دو ساعتی در جاذدهام و قلم در دست، من چشم به راه اراده‌ای است که او را به چرخش و جولان آورد. شما برای نوشتن باید همه دلمشغولی‌ها و همه حسابش‌ها و همه باید‌ها و نیاید‌های زندگی فردی خود را در گلو صندوفی ستبر و سخت بگذارید و درش راه را به رمزی پریچ‌وخم قفل کنید. و گرنه، به هر بهانه، یکی از آن حسابش‌های ظریف و ناپیدا به شما چشمک می‌زند. به محض جلب توجه‌تان، رسمانی به سمت روان شما پرتاب می‌کند و گرفتار تان می‌کند و شما زمانی به خود می‌آید که فرصت موثری را از کف داده‌اید.

ادامه دارد

ما ایرانیان

کامیار عبیدی
باستان‌شناس

درس‌هایی از تاریخ مشترک و انسجام ملی ما

بود که موجب شد بزرگ‌ترین امپراتوری که تا آن زمان در تاریخ جهان شکل گرفته بود بیش از ۲۰۰ سال تداوم یابد و بستری مناسب را فراهم آورد تا اقوام گوناگون، که تا آن زمان یا مدام در حال سستیز با یکدیگر بودند یا ارتباط فرهنگی-اجتماعی-سیاسی ناچیزی داشتند، فرصت آن را بیابند که با یکدیگر اختلاط و تبادل نظر کنند. بابلیان با دانش گسترده خود در زمینه ریاضیات و ستاره‌شناسی با مصریان با تجربه عظیم خود در زمینه معماری و هنر، هندیان با اندوخته‌های فراوان فلسفی خود با ایونیه‌ای‌ها با مکتب بسیار متفاوت، اما به همان قدر غنی در زمینه فلسفه و دیگر علوم برای اولین بار این فرصت را یافتند که با هم به گفت‌وگو بنشینند و مناظره کنند؛ دقیقاً همان مبحث گفت‌وگوی تمدن‌ها که ما امروز مدعی ابداع آن هستیم، بیست و پنج سده پیش از این، تحت لوای آرامش و ثباتی که ایرانیان هخامنشی به ارمغان آورده بودند محقق شد و از نظر علمی-فرهنگی-اقتصادی دوره‌ای شکوفا را در تاریخ جهان شکل داد. شاید به همین دلیل بود که اسکندر مقدونی که جوان بود و جویای نام، فقط پس از اینکه به جهت برتری نظامی موفق شد شاهنشاهی هخامنشی را به زانو درآورد، پی برد که مرتکب چه خطب بزرگی شده و عجولانه و شتابزده، با تصمیمات ساده‌اندیشانه و که با سیاست‌های سنجیده و دوراندیشانه هخامنشیان بس تفاوت داشت، تلاش کرد تا نظم ایران هخامنشی را بازبافزند؛ تلاشی ناموفق؛ هنوز نقش اسکندر به خاک سپرده نشده سردارانش بر سر سرزمین‌های مفتوحه به جان یکدیگر افتادند و بار دیگر دوره‌ای پراشتش‌اش و بی‌ثبات بسا جنگ و خونریزی‌های فراوان آغاز شد. رشته‌ای که ایرانیان هخامنشی با دقت و ذکاوت بافته بودند، به‌ناگاه گسیخته شد و آرامش، امنیت و انسجام ملی ایرانی جای خود را به دوره‌ای از نابسامانی و هرج و مرج داد. تاریخ درس‌های فراوانی برای آموختن به ما دارد؛ این ما هستیم که باید گوش شنوا فرا دهیم.

چهارشنبه‌خوانی

برهوت عشق
بهاره رهنما

■ فرانسوا موریاک، برنده نوبل ادبی ۱۹۵۲ از جمله رمان‌نویسان فرانسوی است که اگرچه در مجموعه آثارش رمانتیسیم نقش پررنگی را در پیشبرد شخصیت قهرمانان و اتفاقات داستان‌هایش رقم می‌زند؛ اما به دلیل دلمشغولی‌های متفاوت اجتماعی و سیاسی‌اش در کنار این رمانتیسیم بارقه‌هایی از زندگی واقعی قرن حاضر و تناقض‌های پیچیده آدم‌ها نمایش داده می‌شود که قلم او را به چیزی فراتر از یک مجموعه رمان عاشقانه فرانسوی بدل می‌کند. چهار سال پیش که از خولدن و دیدن هر اثری که این رمانتیسیم به علیان درآمده آن روزهای وجودم را دلم می‌زد، بر حذر شده بودم. این کتاب را از کسی که یادم نیست، هدیه گرفتم. امسال دوباره دوست شاعر و مترجم فرید حسن‌زاده (مصطفوی) این کتاب را برای خواندن به من پیشنهاد دادند و تاکید کردند از لایه‌های پنهان‌تر مفهومی‌اش سرسری نگذرم. وقتی به خانه رسیدم بعد از اجرای نثار، دیروقت و خسته وقتی کتاب را از کیفم در آوردم، یادم افتاد این همان کتابی است که زمانی خواندنش را به دلیل حال عجیبی که داشتم به تعویق انداخته بودم. از آنجا که آدم خرافاتی نیستم، مطمئن شدم که چیزی در خواندن این کتاب برایم وجود داشت که شاید زمامش آن روزها نبوده و حالا هست. ترجمه کتاب از آقای اصغر نوری است که در مقدمه کتاب آورده که به دلایلی چاپ این کتاب نزدیک به چهار سال به تعویق افتاده است. این را به همان نشانی‌ها ربط دادم که من هم چهار سال این کتاب را دیرتر از وقتی که به دستم رسیده بود، خواندمش. از داستان کتاب چیزی نمی‌گویم جز همان دو، سه خط راهگشایی که از کتاب برای پشت جلد انتخاب شده. شاید خواندن این کتاب جواب این سوال همه‌گیر در ذهن و قلب بسیاری از ما را بدهد: «کدام منطق باید ما را از رنج تحمل‌ناپذیر لحظه‌ای نجات دهد که در آن فردی که می‌پرستیم‌اش و بودن با او بر ایلان حیاتی است با قلبی بی‌تفاوت و شاید راضی با غیبت همیشگی ما کنار می‌آید» این کتاب توسط انتشارات افراز منتشر شده است.

هفته پایانی اکران

فیلم مسعود کیمیایی

پولاد کیمیایی، حامد بهداد، شبنم فروشی، پارسا، جمشید مشایخی، داریوش ارجمند، مسعود رایگان با حضور: لعل زنگنه، نیکی کریمی، اکبر معززی، بهاره رهنما، سیامک انصاری، کاتوش گوامی، جلال پیشواییان، سوگل خاکی، وحجاب زمانی، نوید لاجوردی، شهرزاد مطلق، علی اصغر حبشی، سعید علزاده، مجتبی ملازاده، محمد موبد مدیر فیلمبرداری: تورج منصوری، تدوین: محمطفی خرقه پوش، موسیقی: کارن همایون‌نفر، صدایبرداری: اسحاق خانزادی، طراح چهره پردازی: محمدرضا قومی، مدیر هنری: ایرج رامین‌فر، سنده‌گذاری و ترکیب صدا: اسحاق خانزادی - علی ابوالصدق، استیل‌گرافیک ویرتانه ریژ: محمدعلی جناب، منشی صحنه: سارا حمزه، جلوه‌های ویژه: حمید رسولیان، مجری طرح: تینا پاکروان، سرمایه‌گذاران: مسعود کیمیایی - مهدی داوری، محصول: کارگاه آزاد فیلم - پخش از: فیلمپران

برنامه امشب سینماهای:

استقلال (۸۸۸۰۵۹۳۹)، آزادی (۸۴۴۸۰)، ایران (۷۷۵۲۸۷۱۱-۴)، پردیس ملت (۲۳۱۶۲)، جوان (۲۲۲۴۴-۷۰)، مرکزی (۶۶۹۴۸۵۵۸)، بهمن (۶۶۲۳۹۵۵۱)، کارون (۶۶۳۷۳۰۱۲)، پایتخت (۸۸۳۱۲۶۳۱)، ققنوس (۲۴۵۰۷۱۹۴)، وفر هنگ‌سرای خانواده (۷۷۸۱۹۴۶۸)

پرویز پرستویی
جمشید مشایخی / فرهاد اصلانی / مریا لشیری / صابر لیر
شاهرخ فریتیان / علیرضا اسپوند / مهران احمدی / فلسفه چهره‌لید

سیزده ۵۹
فیلمی از: سلمان سالور

تهیه کننده: جواد نوروزیگی

مدیر فیلمبرداری: مسعود سلامی
تدوین: سهراب خسروی / موسیقی: علی کهن دیری
طراح صحنه و لباس: حسن روح پروری
طراح چهره پردازی: بابک اسکندری
سندگذاری و ترکیب صدا: محمدرضا موسوق نژاد
صدایپرداز: محمد شاهوردی / مجری طرح: جواد قلین زاده
مدیر تولید: فرشته مهدی زاده

محصول:
سرمایه گذاران: جواد نوروزیگی، پرویز پرستویی
پخش: موسسه فیلمپران

برنامه امشب سینما: آفریقا، فرهنگ، آزادی، پردیس ملت، پردیس زندگی، اریکه ایرانیان، موزه، مرکزی، جی، شکوفه، ماندانا و فلسطین

شرکت غذاهای آماده ب.ا حامی فیلم‌های فاخر